

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

توضیح: آن چه که در زیر می آید متن مصاحبه "راديو همراه" سویدن با رفیق فریبرز سنجرى حول مسأله "انتخابات" اخیر و ریاست جمهوری حسن روحانی می باشد که در تاریخ اول جولای ۲۰۱۳، دهم تیرماه [سرطان] ۱۳۹۲ صورت گرفته است. "پیام فدائی" این مصاحبه را از حالت گفتار به صورت نوشتار در آورده و با برخی ویرایش های جزئی به این ترتیب به اطلاع علاقه مندان می رساند.

## "انتخابات" اخیر در جمهوری اسلامی

(گفت و گوی راديو "همراه" با رفیق فریبرز سنجرى)

راديو همراه : درود ما را بپذیرید رفیق

فریبرز سنجرى: خیلی ممنون، با سلام به شما و همه شنوندگان عزیزتون

راديو همراه: برویم سراغ این به اصطلاح انتخابات، به نظر شما رفیق فریبرز، جمهوری اسلامی با توجه به مهندسی از پیش طراحی شده اش چه نیازی داشت که این بار از صندوق های مارگیری اش یکی از جنایتکارترین مهره هاشون که جنایتکار شناخته شده ای هم هست به عنوان چهره معتدل، میانه رو و به ظاهر مخالف رهبری، ولی به نوعی نماینده رهبر در پست های حساس رو از این صندوق ها بیرون بیاورد و اون رو "رای حماسی" هم معرفی بکنه، چه نیازی داشت جمهوری اسلامی بعد از احمدی نژاد این حرکت رو بکنه و این فرد رو روی کار بیاورد؟

پاسخ: بگذارید قبل از اینکه به اون قسمت از سوال بپردازم یک نکته ای رو تأکید کنم روحانی رو همیشه مخالف خامنه ای تلقی اش کرد و یا معرفی اش کرد و چنین برداشتی از این فرد با واقعیت انطباق نداره. اولاً همه می دونیم که شورای نگهبانه که صلاحیت کاندیداها رو تأیید میکنه یا رد میکنه، و خُب این شورا هم با تکیه بر اون نظارت استصوابی اش به خودش حق میده که هرکاری بکنه و صلاحیت هرکسی رو رد یا تأیید بکنه، و تنها کسانی رو هم انتخاب می کنه که اسلام، قوانین اسلام، قانون اساسی، نظام و این ها رو نه تنها قبول داشته باشند، بلکه التزام عملی بشون رو به ولایت فقیه در عمل و نه در حرف نشون داده باشند، بنابراین اگر روحانی مخالف خامنه ای بود، اساساً از صافی شورای نگهبان عبور نمی کرد و اصلاً در همون ابتدا ردش می کردند، در ثانی باید توجه داشته باشیم که این نامبرده چند دوره وکیل مجلس این رژیم بوده در سال های اخیر هم اگر اشتباه نکنم حدود ده سال نماینده خود خامنه ای در شورای امنیت ملی بوده و تا جایی هم که در مطبوعات منعکس شده، در این شورا هم جز کسانی بوده که در مورد ترور مخالفین و کارهای تروریستی رژیم تصمیم می گرفته یعنی یکی از چشم و گوش های خامنه ای بوده که خامنه ای، و نه تنها خامنه ای، که کل بیت رهبری به او اعتماد کامل داشتن. برای همین هم اجازه دادن که اسمش از صندوق های مارگیر بشون بیرون بیاد. این تأکید رو از این زاویه لازم می دونم که اخیراً به خصوص در خارج از کشور به دنبال

انتخاب روحانی یک جوی دارن تلاش می کنند درست کنند که مثل اینکه روحانی مخالف خامنه‌ایه و مردم هم اومدن و دوباره با رای دادن به روحانی یک "نه" بزرگ گفتن به خامنه‌ای. این با واقعیت اصلا انطباق نداره و همین طور که گفتیم اگر واقعا روحانی مخالف خامنه‌ای بود مطمئن باشید همین مقدار رای هم حالا به هر دلیلی به اسمش به صندوق ها ریختن رو دستکاری میکردن و یکی دیگر رو از صندوق بیرون می آوردند. چون اونا میدونن که این کسانی که کاندید شدن با اون موقعیتی که دارند حداکثر کاری که میکنن مثل رفسنجانی به که شکایت کرد به "خدا" که چرا نگذاشتن انتخاب بشه. این هم می‌تونست یک شکایتی بکنه به "خدا" (!) یا مثلا مثل کربوبی که ادعا میکرد من خوابیدم، بیدار شدم و دیدم از نفر اولی افتادم. خُب چه کار کرد؟ مجبور بود تمکین بکنه با اینکه ادعا میکرد نفر اوله و بعد هم یکی دیگر رو بجای او پیروز اعلام کردن. بنابراین این صفت مخالفت با رهبر اصلا برازنده یک چنین فردی به نام روحانی نیست. اتفاقا به باور من، او یکی از نوب شدگان در ولایت فقیه، ولایت مطلقه فقیهه. و بدون (تأیید) ولایت فقیه هم به یک چنین مقامی نمی رسید. مطمئن باشید که هر چه که زمان بگذره این واقعیت با مدارک خیلی بیشتری هم ثابت خواهد شد. حالا برگردم به اون سوالی که می‌گید که چه مسائلی باعث میشه که جمهوری اسلامی به یک چنین کارهائی دست بزنه. ایرانی ها یک ضرب المثلی دارن یک مثالی دارن که میگن که وقتی که گاری به سربالائی می‌افته و تو سربالائی قرار می‌گیری اسب ها هم همدیگر رو گاز میگیرن، خُب این وضعیه که به نظر من جمهوری اسلامی توش قرار گرفته که حتی اصول گراهاش هم که هم‌شون رسماً میگن که ما اصول گرائیم و هرچه رهبر بگه جانم فدای رهبر، نمی‌تونن یک کاندید واحد بدن و همین طور که می‌دونید اونا سه نفر رو کاندید کردن که قرار شد دوتاشون برن کنار یکی‌شون بمونه، ولی فقط حداد عادل رفت کنار و ولایتی و قالیباف موندن، و هر کدوم هم گفتن نه خیر نمی ریم کنار. هر دو هم رهبر رو قبول داشتن، اصولگرا هم بودن ولی نرفتن کنار تا رای اصولگراها به قول خودشون یکی بشه، خُب اینها نشون میده که کسی، کسی رو قبول نداره. این وضع رو نمی شه به حساب این گذاشت که مثلا روحانی یک مخالفت برنامه‌ای یا اعتقادی با خامنه‌ای داره. خُب هر کس (که) الان در جمهوری اسلامی (کاره ایه) همان طور که گفتیم با هم یک سری اختلافاتی دارن ولی این به این معنا نیست و این جوریه همیشه این رو توضیحش داد. تازه ما یادمون هم نرفته که همین خامنه‌ای در نماز جمعه بعد از انتخابات سال ۸۸ بود که اومد گفت که احمدی نژاد از نظر سیاسی، سیاست هاش به من خیلی نزدیکتره تا رفسنجانی. بعدا دیدیم که همین احمدی‌نژاد شد "جریان انحرافی" و اون کسی هم که برای همین انتخابات اخیر کاندید کرد و اومد (این طور معرفی کرد که) گفت "احمدی نژاد یعنی مشائی، مشائی یعنی احمدی نژاد" رو رد صلاحیتش کردن، و این هم مجبور شد که بگه من شکایتم رو می برم پیش ولی فقیه! خُب این نشون می‌ده که اوضاع رژیم طوری که دسته‌های درونی‌اش با هم توافق ندارن. نه اینکه ما این (واقعیت) رو بذاریم به حساب یک کسی که ده ساله نماینده خامنه‌ای در شورای امنیت ملی یه و بهش بگیم مخالف خامنه‌ای. اصلا نباید اینجور چیزها رو به حساب مخالفت با رهبری گذاشت چون هر کدام از اینهائی که کاندید شدن اصلا قبل از اینکه کاندید بشن خودشون میدونن که باید هر "حکم حکومتی" که رهبری داد رو اجرا کنند. تو دوره های قبل هم موارد متعددی وجود داره که یک حرفی زدن و رهبری یا ولایت فقیه یا همین خامنه‌ای یک حکم حکومتی داده همه جا زدن و گفتن همون باید اجرا بشه، هم خاتمی این کار رو کرده هم کربوبی این کار رو کرده. در دوره‌ای که رئیس مجلس بود. هم‌شون کردن. در نتیجه این نظر (درست) نیست. اما این که حالا این نظام چه نیازی داره که مثلا به جای جلیلی یا قالیباف، روحانی رو روی کار بیاره برای اینه که توی این هشت کاندیدای که بودن که خُب بعدا شدن شش تا؛ تنها کسی که میشد این مسئله تغئیر رو که واقعا خواست مردم، تمایل مردم، نیاز مردم یک حدی بهش چسبوند و این توهم تغئیر را باهانش تبلیغ کرد همین روحانی بود که به هر حال مثل ولایتی یا قالیباف تو اون دسته بندی های درونی نظام، (ظاهر) اصولگرای افراطی نبود، تو جلسه‌های تبلیغاتی‌اش هم مثل همین موردی که در جماران گذاشت یا جاهای

دیگه. خُب نشون می داد و ادعا می کرد که جوون ها به خصوص طیف جوان اصلاح طلب که به اصلاح طلبان گرایش دارن ازش دفاع می کنن و در نتیجه خُب می تونستن با آوردن این و برجسته کردنش یک جوی درست کنن که هم اصلاح طلبان رو تشویق کنن که تو انتخابات شرکت کنن - که همین کار رو کردن - در حالی که ما میدونیم که این بار تقریباً اولین باری بود که این اصلاح طلب ها اولش یک عدهشون اومدن گفتن که شرکت تو این انتخابات ثواب نداره، ناوابه و به یک معنا تحریم میگردند. ولی خُب به هر حال این ها رو هم آوردن تا همان "حماسه سیاسی" شون رو بسازن. و بعد هم وقتی این ها میان (سعی می کنن) مردم رو باهانش گول بزنن. حالا چرا راه دور بریم یک عده از همین سازمان های سیاسی الان گول خوردن افتادن وسط میگن که مردم رای دادن به روحانی و یک "نه" بزرگ گفتند به خامنه‌ای! یعنی با همین حرفشون دوتا چیز رو می پذیرند، یکی اینکه انتخابات در جمهوری اسلامی پس واقعی است و یکی اینکه روحانی حاصل اراء مردمه و نه خواست بالاترین مقامات حکومتی و خامنه‌ای. یعنی دوتا موردی که قبلاً به بهانه شان همین ها انتخابات رو تحریم میکردن؛ حالا با این "معجزه‌ای" که شده و این غافلگیری ای که شده همین جریان هائی که حالا از پذیرش رای مردم و شمارش رای مردم دم میزنن، خُب اینرو می پذیرند و به این طریق در واقع به رژیم کمک میکنند که این "حماسه سیاسی" اش و یا به قول شما "رای حماسی" رو به خورد مردم بده و به قول معروف روحانی را حاصل رای حماسی مردم بدونن و از این حرف ها. به هر حال اینه اون شرایطی که رژیم رو نیازمند این (کار) میکنه. در واقع جمهوری اسلامی در موقعیت خوبی قرار نداره، در بحران دست و پنجه می زنه، هم وضعیت معیشتی مردم و وضع اقتصادی خرابه، هم این تحریم ها و فشارهای خارجی یک موقعیتی رو برایش بوجود آورده (در حالی که) جلوی چشمش هم میبینه در ترکیه و برزیل چه خبره و چه اتفاقاتی داره می فته. خُب یک کاری می خواد بکنه که حداقل تا اون جایی که می تونه این اتفاقات رو و این خیزش های مردمی رو به عقب بندازه. یکی از ابزارهای این کار هم فریبکاریه، و با آوردن یک چنین آدمی و یک چنین جلوه‌ای بهش دادن توهمی را در مردم ایجاد میکنن که البته خود زندگی خیلی زود این توهم رو در هم خواهد شکست همان طور که قبلاً ما شاهد بودیم که چطور یکی چنین تبلیغات فریبکارانه‌ای رو در هم شکست.

**رادیو همراه: بله از فریب صحبت کردید من گریزی بزنم به اولین مصاحبه یا سخنرانی رسمی حسن روحانی که شنبه هشت تیرماه در همایش افق رسانه در محل همایش‌های بین المللی صدا و سیما برگزار شد. اونجا میاد به نیروهای انتظامی و ماموران نهی از منکر و امر به معروف نصیحت میکنه میگه که دختران و پسران رو فرزندان خودتان بدانید و اونجا میاد میگه که شادی و نشاط حق مردمه، خیلی سختگیری نکنید. مردم ما خودشان اخلاق مدارند، مردم ما میدانند چهارچوب اخلاق اسلامی و سیاسی رو چگونه رعایت کنن. حالا اگر کسی اومد و حواسش جمع نبوده تذکر دوستانه کافیه، این ما رو یاد حرف های احمدی نژاد می اندازه که در دوره دوم وقتی که مجدداً رئیس جمهور شد اونجا گفت که مشکل ما، مو و لباس به اصطلاح جوانان نیست. آیا به نظر شما باز مردم فریب این رو میخورن؟ در هشت سالی که خاتمی بود مردم به این نتیجه رسیدن که فریب خوردن. آیا با این صحبت ها و اون هم در اولین صحبت هائی که رسمی گفته میشه باز مردم فریب این رو خواهند خورد؟ یا مجدداً یک دوره باطل دیگه‌ای رو طی خواهند کرد؟**

**پاسخ:** ببینید اولاً ما وقتی که می‌گیم مردم، باید توجه داشته باشیم تو همین انتخابات بیست و چهار خرداد هم، حالا مورد های دیگه‌اش رو چون زمان ازش گذشته اشاره نمی کنم، اساساً اکثریت مردم ایران تو این انتخابات شرکت نکردن که حالا بخوان روحانی رو بهش توهمی داشته باشن، بخوان فریبش رو بخورن. البته هر رژیمی با توجه به دستگاه تبلیغاتی‌اش، ماشین تبلیغاتی‌اش که میلیون ها هم خرجش میکنن هر سال، بالاخره این دستگاه رو برای این درست کردن که مردم رو یک مقداری گول بزنه ولی خود زندگی که نشون میده که این گول زدن ها چقدر میتونه دوام بیاره، ممکنه

به لحظه هم یک کسانی تحت تاثیر یک چنین تبلیغاتی قرار بگیرن مثلا فکر کنن که این روحانی اگر بیاد روی کار مثلا این تحریم ها رو ور میداره و ارزونی مثلا براشون بوجود میاره. خُب دو ماه دیگه مردادماه اگر اشتباه نکنم این (روحانی) میاد روی کار رسماً. دو ماه که بگذره می بینن که نه تنها ارزونی به وجود نیارود بلکه گرونی بیشتر هم شد. خُب واقعیت رو میفهمن ولی به نظر من الان مردم به تجربه فهمیدن و به این آگاهی رسیدن که هر کسی که می خواد کاندید بشه یه سری حرف هائی رو میزنه، این احمدی نژاد رو اگر ولش میکردی یک چیزهائی میگفت که مرغ پخته هم خنده اش می گرفت. یکبار سخنرانی می کرد، حالا مردم از بیکاری دارن می نالند، دسته دسته دارن کارگران رو اخراج می کنند می گفت دولت بنده شش میلیون کار ایجاد کرده! خُب دروغ که دیگه چیز (شاخ و دم) نداره، میگه، حالا تو برو بشین ثابت کن که نه خیر تو نه تنها شش میلیون شغل ایجاد نکردی تازه شغل های موجود رو هم از بین بردی. اون حرفش رو میزنه و میره. حالا هم همین کار رو می کنن. یک سری دروغ ها، یکسری فریبکاری ها می کنن. ولی اینکه بیاد و بگه که مثلا چون به دنبال "انتخابش مثلا یک سری جوون ها هم ریختن تو خیابون و یک شادی هائی کردن - از این موقعیت برای شادی لحظه ای خودشون استفاده کردند و خُب یک نوعی مخالفتشون رو با ارزش های جمهوری اسلامی هم نشون دادن - این نیروی انتظامی اگر قرار بود همون شب بیاد و بزنه بگیره و دستگیر کنه ، خُب همه این داستان "حماسه سیاسی" همه چیزش برباد می رفت. در نتیجه حالا این داره از اونا تمجید می کنه و میگه دستتون درد نکنه که کاری نکردید و گذاشتید ما کارمون رو پیش ببریم. من فکر نمی کنم که مردم فریب این ها رو بخورن، گرچه وقتی می گیم مردم، (این مردم) از بخشها و طبقات مختلفی تشکیل شده خُب اون کسی که وابستگی های مالی شدیدتری به این رژیم داره یه جور فکر میکنه اون کارگری که قراره با سیصد هزار و خرده ای تومان در ماه زندگی کنه و در فقر و فلاکت بسر می بره و همه مسئله اش هم اینه که بابا یه جوری بشه که به قول معروف افزایش قیمت ها جلوش گرفته بشه، ارزونی بیاد، وقتی ببینه که یک چنین خُبر هائی نیست خُب می فهمه این حرفها همش دروغ بوده و فریب.

**رادیو همراه: بله. با تشکر از شنونده ای که تماس گرفت. رفیق فریبرز رژیم خیلی مانور کرد مانورهای ردیلاته، بلندگو های تبلیغاتی اش رو راه انداخت و حرف های خیلی زیادی زد. ولی این بار ما شاهد حمایت وسیع قدرت های امپریالیستی از این به اصطلاح انتخابات و پیروزی حسن روحانی بودیم. آیا به نظر شما این چراغ سبزیه به رژیم و کاهش تحریم ها و یا بدنبال هدف دیگه ای هم هستن؟**

**پاسخ:** واقعیتش اینه اولاً این رژیم تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسمه، این رو اگر کسی متوجه نشه اصلاً نمی تونه جمهوری اسلامی رو به نظر من بفهمه و سیاست هاش رو درک بکنه، و این امپریالیست ها علی رغم همه این هیاهو هائی که در این ۳۴ سال وجود داشته، همیشه یار و مددکار جمهوری اسلامی بودن. یعنی اگر کسی واقعا بره و نگاه کنه می بینه که اولاً این رژیم کاملاً خط اونا رو خوب پیش برده. اون ها هم همه جا تا تونستن ازش حمایت کردن. مثلاً همین الان کانادا راه افتاده میگه که کشتار، قتل عام سال ۶۷ جنایت علیه بشریته. خُب مگر همین کانادا وقتی این کشتار میشد کور بود ، کر بود نمی فهمید که این اتفاق افتاده چرا یک کلام اعتراض نکرد؟ حالا سیاست عوض شده و یک دفعه یادش افتاده و بقیه هم همین طور. همه این جنایت ها رو جمهوری اسلامی زیر چشم این ها کرد. اون ها هم به قول معروف نه تنها تأیید کردن، زیر سبیلی رد کردن، حرفی هم نزدن. در ضمن امپریالیست ها هم هیچ وقت نگفتن ما جمهوری اسلامی را نمی خواهیم ، همیشه گفتن که ما با یک سری از سیاست هاش مخالفیم، مثلاً با سیاست هسته اش مخالفیم . نگفتند با خود رژیم. حالا این یک بحث دیگهس البته به این سوال ربط نداره. این که حالا تو روند قضایا بحث ها به کجا برسه و چه شکل هائی بگیره اون یک چیز دیگهس. ولی اون چیزی که رسماً میگن همیشه میگن اینه که ما جمهوری اسلامی رو می خوایم ولی سیاست هاش رو باید عوض کنه. در نتیجه نباید فریب این تبلیغات رو خورد. اینا در تمام این ۳۴ سال از جمهوری اسلامی، از "انتخابات هاش"، از همه این کارهاش دفاع کردن و به واقع سال هاست

که به جمهوری اسلامی چراغ سبز دادن. اما از یک طرف دیگه این انتخابات یا در واقع انتصابات و این روی کار آوردن روحانی رو هم اشتباه است اگر کسی به حساب کاهش این تحریم ها و این ها بذاره. چون این تحریم ها برای امپریالیست ها و به ویژه برای امریکا منافی داره که از حد خارجه. و اساسا اگر این منافع رو نداشت به چنین کاری دست نمی زد. یک چنین سیاستی رو در پیش نمی گرفت. یک منافی داره که این کارها ، این تحریم ها رو کرده و منتظر روحانی هم نیست که حالا این روحانی بیاد و این بخواد آن تحریم ها رو به خاطر حضور روحانی در قدرت بندازه و تغئیر بده ، به خاطر این که اساسا خود اون ها بهتر از هر کسی میدونند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی رو ، نه رئیس جمهور بلکه ولی فقیه و بیت رهبریه که تعیین می کنن و اگر قرار باشه با کسی هم معامله بکنن باید با او بکنن نه با رئیس جمهوری که خودش با حکم حکومتی کارها رو پیش می بره و تو خود سیستم هم بهش میگن "آبدارچی". در نتیجه اصلا این جوری نیست که ما یک چنین تصویری رو داشته باشیم که حالا این روحانی میاد و تحریم ها رو تغئیر میده و تعدیل می کنه. روحانی حالا در مرداد ماه عملا در جایگاه رئیس جمهور قرار می گیره و خیلی زود هم همه می بینن و خواهند دید که از این خبر ها نیست. اما این که حالا رسانه های امپریالیستی مثل بی بی سی، صدای امریکا به یک معنا از خود جمهوری اسلامی هم بیشتر برای این انتخابات مایه گذاشتن و اون رو تبلیغ کردن یک دلالتی داره چون خط اونهاست. اون ها تا وقتی که جمهوری اسلامی مصالحشون رو، منافعشون رو تامین میکنه. خُب مجبورند ازش دفاع کنن و دفاع هم می کنند، مگر یک موقعی برسه که دیگه اونو مخل وضعی که می خوان ببینن، اون یک بحث دیگه‌س. در نتیجه این یه دلیلشه که خیلی روشن ازش دفاع می کنن و توی این انتخابات هم به روشنی دیدیم که خیلی تبلیغش رو کردن و همه جا به دروغ چنین جلوه میدن که واقعا انتخاباتی در ایران جریان داره و به رای مردم ارزش گذاشته می شه. در صورتی که واقعا تنها چیزی که در این انتصابات های جمهوری اسلامی آشکاره اینه که رای مردم فاقد ارزشه. اما یک خط دیگه هم اینها پیش میبرند که اجازه بدید اون رو هم من روش تأکید کنم. این ها میخوان این استراتژی رو بیشتر تبلیغ کنند، جا بندازند، توی جوونها براش جایگاه ایجاد بکنن که تغئیر از طریق صندوق های رای که انجام میشه یعنی شما اگر از جمهوری اسلامی هم بدتون میاد و جونتون به لبتون رسیده تغئیر (باید) از طریق صندوق رای باشه. خُب این استراتژی که واقعا استراتژی فریبکارانه و نادرستیه اگه بخواد جا بیفته بطور طبیعی اون خطی رو که می گه تغئیر از طریق انقلاب و قهری که ذاتی هر انقلابیه امکان پذیره رو به حاشیه می بره. در نتیجه اون ها وقتی بر پیکر نحیف سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی می دمند و حاصل این انتخابات رو این قدر بهش بها میدن و حاصل رای مردم جلوه میدن به خاطر پیشبرد همین سیاسته. از یک طرف دیگه هم نباید ما فراموش کنیم که اونا می خوان افکار عمومی رو در رابطه با جمهوری اسلامی چه در کشور خودشون و چه در جهان فریب بدن. مثلا اگر قرار باشه که به فرض یک فشارهای هر چه بیشتری به جمهوری اسلامی بیارن خُب مردم خودشون رو باید قانع کنن در نتیجه وقتی که این ها میان و انتخابات رو بهش بها میدن و بهش می پردازن، به مردم اینجوری جلوه میدن که ببینید ما اومدیم تبلیغ کردیم تأیید کردیم و منتظر بودیم که یک نفر بیاد که با ما بشینه مذاکره کنه ولی خُب این ها کسی رو فرستادن جلو که به حرفهای ما گوش نمی کنه! در نتیجه همون بازی ادامه پیدا می کنه. و گر نه مثلا خُب در همین مذاکرات ۱+۵ که بارها انجام شده حتی کشورهای دیگه ای هم اینو تأیید کردن که (در حالی که) این نمایندگان جمهوری اسلامی یک امتیازاتی میدادن اونوری ها هیچی نمیدن. اونا میگن همه چیز (پروژه اتمی) رو ببند تا ما یکی دوتا مثلا وسایل یدکی هواپیما بهت بدیم. در نتیجه به مسئله باید از این زاویه هم نگاه کرد که این ها با این وسیله افکار عمومی رو فریب میدن میگن ما بی طرفیم ما واقعا اومدیم به رای مردم احترام گذاشتیم ولی خُب اونا به سیاست های نادرستشون رو ادامه دادن و در نتیجه وضع به اینجا رسید که مثلا ما فلان اقدام خشن تر را انجام بدیم . و گرنه در همون شرایطی که اینها دارن تبلیغ می کنند برای انتخابات (رژیم)، در کنگره و سناشون دارن تحریم های

خیلی سنگین تری رو تصویب میکنند و به اجراء می گذارن. حالا که این بحث شد در هر حال من یک نکته‌ای رو مایلیم روش تأکید کنم و اون اینه که باید توجه کرد در رابطه جمهوری اسلامی با امپریالیست ها بخصوص با امپریالیسم امریکا این جمهوری اسلامی نیست که مثلا می خواد فلان امتیاز رو بده و غرب هم مثلا اگر این امتیاز رو داد می‌پذیره و کوتاه میاد، بر عکسه این غرب و امپریالیسم امریکاست که می‌بینه منافعتش در چیه و اونو پیش میبره. برای نمونه در دوره خاتمی این امر روشنیه که سردمداران جمهوری اسلامی از طریق سفارت سوئیس که حافظ منافع امریکا در ایرانه - چون خودش در ایران سفارت نداره - یک پیشنهاد خیلی مشخص برای رفع همه مشکلاتی که بین دو کشور هست بین دو دولت هست بین دو رژیم هست دادند. برخورد امریکائی ها خیلی جالبه، برخورد امریکا- چیزی که رو شد بعدا - اینه که بجای این که این پیشنهاد رو مورد توجه قرار بدن انداختنش تو سطل اشغال و سفیر سوئیس هم سرزنش کردن که چرا در کارهائی که به تو ربط نداره دخالت می کنی! یعنی این طوری نیست که ما مثلا فکر کنیم که اگه این جمهوری اسلامی بیاد و مثلا فلان امتیاز رو بده اونو می‌پذیرند. چون با شناختی که من از سردمداران جمهوری اسلامی دارم و خودشون در تمام این سال ها نشون دادن اون ها برای حفظ خودشون هر کاری میکنند، به هر خفتی هم تن میدن پس اونوره که باید تعیین بکنه و اینجوری نیست که ما فکر کنیم که با اومدن روحانی تحریم ها تعدیل پیدا می کنه. نه، به نظر من اگر سیاست پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی (همان طور هم که بعد از انتخابات روحانی باز هم خامنه‌ای سخنرانی کرد و تأکید کرد) اگر همون خط رو اون ها بخوان پیش برن این تحریم ها هم هیچ فرقی نخواهند کرد. یک تأکید هم بکنم چون واقعا نشون داده تجربه، که این ها، این سردمداران جمهوری اسلامی همه کار حاضرین بکنند که نظام حفظ بشه، -این رو خودشون هم میگن ها - این ها از غرب میخوان فقط امنیت نظام و امنیت ما رو تضمین بکنید بقیه مسائل همه چیزش قابل حله، حالا اگر کسی می خواد فکر کنه که تحریم ها تغیر می کنه باید ببینه چه تغیری در سیاست ها و در منافع امپریالیست ها و امریکا و اون قدرت های بزرگی که حالا خودشون رو به قول معروف "جامعه جهانی" هم می نامند رخ داده که اون ها میخوان (تحریمها رو) تعدیل بکنن خُب الان وقتی نگاه میکنیم این تحریم ها پیشبرد سیاست های انحصارات امپریالیستی رو تو منطقه خیلی (راحت) کرده و به نفع اون هاست و فکر هم نمی کنم که روحانی هم بتونه معجزه‌ای بکنه و این (معادله) رو عوض بکنه.

رادیو همراه : بله، یادآوری بکنم که کاخ سفید در بیانهای علت این تحریم ها رو مداومت ایران در عدم رعایت ضوابط بین المللی دانسته و بر اساس دستور اجرائی باراک اوباما مرحله تازه‌ای از تحریم های امریکا علیه ایران از امروز به اجراء در میاد که از جمله شامل صنایع کشتیرانی، بیمه، انرژی، خودرو سازی، پول ایران، تجارت فلزات گران بها و معامله با افراد و نهادهائی میشه که مشمول تحریم هستند و در همین رابطه جالبه که عباس عراقچی که ایشان سخنگوی وزارت امور خارجه ایران هم هستند میگه که "تعجب می کنم با توجه به انتخابات با شکوهی که مردم ایران داشتن دوباره توسل به این شیوه به اصطلاح تحریم را دارند و دارند اجراء میکنند و اون رو پیگیری میکنند" و میگه که ما طبق نظراتی که از امریکا هم داشتیم پیشنهاداتی که داشتیم مردم اون جا تعدادی میگن که این تحریم ها رو بردارین و یا به عقب بیندازید. بهر حال جای سؤال هست برای این آدم که این تحریم ها چرا از امروز؟ چون تحریم ها رو قبلا امریکا اومده گرفته تأییدیش رو و از امروز شروع میشه. در همین رابطه سؤال یکی از شنوندگان رو من مطرح می کنم شما به درستی و به روشنی راجع به وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیست ها گفتید ولی شنونده ما تأکید داشتن که شما همیشه میگوید که وابسته است به امپریالیست ها به ویژه امپریالیسم امریکا، پس چرا امریکا این همه ضدیت می کنه با جمهوری اسلامی. این رو اگر کوتاه بگید دو تا سؤال باقیمانده در رابطه با انتخابات هم داریم که با شما مطرح کنیم.

**پاسخ:** ببینید این که وقتی که یک رژیمی به سیستم امپریالیستی وابسته است به این معنا نیست که ارباب هاش برای پیشبرد سیاست های خودشون هر چه که این خواست رو پیش ببرن یا بگن. خُب شما الان نگاه نکنید (رابطه) امریکا و پاکستان واضحه، اصلا هیچ کس نمی تونه شک کنه در وابستگی اش به امپریالیسم امریکا، ولی (امریکا) میره هواپیمای بدون سرنشین اش رو میفرسته اون جا و آدم میکشه. اون ها هم هی اعتراض میکنند میگن ما روابط مون فلان میشه ولی این کار خودش رو میکنه. در جمهوری اسلامی هم درسته که این ها به اون ها وابسته اند ولی مهم خطیه که امپریالیست ها میخوان. حالا این یک موضوع خیلی مفصلیه ولی اگر من به خواهم خلاصه کنم توی این شرایطی که مثلا الان به منطقه یک لحظه نگاه نکنید با این مخالفتی که با جمهوری اسلامی این ها میکنن و به قول معروف در اثر این پروژه هسته ای میلیارد ها دالر دارن به کشورهای منطقه اسلحه می فروشند. نیروگاه های هسته ای دارن می فروشن به تمام کشورهای منطقه، خُب اگر یک چنین "لولوئی" نباشه اگر یک چنین دشمنی و چهره خشنی از جمهوری اسلامی در منطقه نساژن و هر روز تبلیغ نکنن که این باعث همه بدبختی های منطقه است و به این وسیله چهره خودشون رو پنهان نکنن، خُب این اسلحه هاشون فروش نمیره، قیمت نفتشون رو نمی تونن کنترل بکنن، بیمه کشتی ها در خلیج فارس رو نمیتونن باهاش بازی بکنن و میلیارد ها دالر سود ببرن. به هر حال هر جای این رابطه رو دست بگذارید این رو مطمئن باشید که در ظاهر می بینید که (امپریالیست ها) میگن اینو ما داریم تحریمش میکنیم، یک شیطان، محور شره، فلانه. ولی ازش دارن نون میخورن و خُب این واقعیت را باید فهمید. یک دوره ای بود مثلا یک شاهی در ایران بوده بهش می گفتند ژاندارم منطقه، هی بهش اسلحه میدادن، نقش ژاندارمی را براشون ایفاء میکرد. حالا اون دوره دیگه عوض شده حالا اینا خودشون ناوگان نشون رو آوردن تو خلیج یک چیزی ساختن به نام جمهوری اسلامی که دشمن همه روش ها و کارها و دیپلماسی و نمی دونم سیاست و اقتصاد و همه چیزه و یک چیزی به اسم شیعه ساختن و بعد شروع میکنن به بهانه این تمام کشورهای دیگر رو مجبور می کنن که شما بیایید اسلحه بخرید و می فروشند. بعد هم موارد مختلف دیگه وجود داره حالا هر کدومش رو میشه بطور مشخص بهش پرداخت ولی چون گفتید کوتاه بگم به همین ها بسنده می کنم.

**رادیو همراه: بله خیلی ممنون بریم سراغ سوال بعدی در رابطه با انتخابات رژیم، ما در ۳۴ سال حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی همواره شاهد این نوع به اصطلاح رای گیری ها و انتصابات حکومتی بودیم. انتصاباتاتی که به دلیل ماهیت ضد خلقی اش به اصطلاح نتونسته میزان رای مردم رو داشته باشه بلکه توافقات به اصطلاح اون بالاترین ارکان تصمیم گیری در این نظام ضد خلقی و در راس اون تصمیم به اصطلاح ولی فقیه بوده که ما می دونیم در واقعیت ارباب امپریالیستی اش این تصمیم رو میگیرن. با این وجود و بنا به گفته و آمار رژیم نزدیک به پانزده میلیون از واجدین شرایط همان طوری هم که شما گفتید در انتخابات که دست ساز رژیم هم بود، مهندسی شده بود، شرکت نکردن. چرا و به چه علت این آراء که زیاد هم هست و آشکارا تحریم هم کردن در لابلای حرف ها و گزارشات و تحلیل ها فراموش میشه و کمرنگ میشه. حتی در خارج از کشور نیروهای به اصطلاح مخالف جمهوری اسلامی هم راجع به این کم صحبت میکنند. چرا؟**

**پاسخ:** ببینید تازه این پانزده میلیونی که شما گفتید بر اساس آمار خود جمهوری اسلامی که میگه مثلا ۷۲ درصد در انتخابات شرکت کردن و پانزده میلیون شرکت نکردند. در واقعیت اکثریت مردم در این انتخابات شرکت نکردند و این ها دارند به دروغ این رو تغئیر میدن ولی خُب در یک کلام اگر بخواهیم بگیم حالا چرا این واقعیت رو لاپوشانی میکنن، این ها این واقعیت رو نمی گن برای اینکه میخوان "حماسه سیاسی" خامنه ای خدشه دار نشه. خُب همه تبلیغات بر روی آمار بالای شرکت کنندگان متمرکز شده و اصلا خود این "حماسه" بر این اساس مثلا شکل گرفته که ۵۰ میلیون حق رای داشتن. ۷۲ درصد شرکت کردن و ۱۸ میلیون هم رای دادن به روحانی که مثلا بگن بله ببینید هیچ جا این جوری مردم نظام رو قبول ندارن و تو انتخابات شرکت نمیکند. بعدش هم که خُب خامنه ای اومد گفت هر که در



انتخابات شرکت کرده یعنی که نظام رو قبول داشته. درحالی که در واقعیت اکثریت مردم این انتخابات رو تحریم کردن و بر اساس گزارشات مستند یعنی کسانی که در داخل کشور رفتن و شعبه‌های رای گیری رو واقعا دیدن اصلا شعبه‌های رای گیری شلوغ نبوده و این جور که این ها جلوه میدن اصلا نبوده و تازه خود رژیم هم میگه ۵۰ درصد در تهران شرکت نکردن خُب اینه ا نشون میده که دارن یک دروغی رو می سازن و با تبلیغات و با هیاهو، شب رو روز جلوه میدن. یک دروغی رو راست میخوان جلوه بدن و مردم رو گول بزنند. خُب وقتی قرار باشه که خامنه‌ای بیاد بگه که ما باید "حماسه سیاسی" بسازیم و بعد هم ساختنش و بعد هم باید به مردم تحمیلش کنه خُب دست به هر آمار سازی هم میزنند دیگه. و اساسا توی این ۳۴ سال گذشته هیچ انتخاباتی نبوده که وزارت کشور توش دست به آمار سازی نزده باشه. اصلا آمار سازی در انتخابات یکی از وظایف وزارت کشوره و انسان باید خیلی ساده باشه که فکر کنه انتخابات ۲۴ خرداد جدا از این واقعیتی انجام شده که در همه انتخابات ها در ۳۴ سال گذشته وجود داشته. تو سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی همواره تعداد واجدین حق رای را کمتر از اون چه که واقعا وجود داره اعلام میکنن. این یکی از کلک های آشکار این سیستمه. مثلا قبل از انتخابات من توی یک آماری می خوندم که مدعی بود بر اساس آمار (سرشماری) جمعیت ایران که در سال ۹۰ انجام شده واجدین حق رای یک چیزی حدود ۵۵ میلیون نفرند. اما وزارت کشور توی این انتخابات اومد گفت واجدین حق رای ۵۰ میلیون هستن و خُب همین ۵ میلیون که بره کنار کلی این درصدها تغییر میکنه و یک تقلب خیلی آشکاره، یعنی میان یک درصدی رو، یک عددی رو عوض میکنن بعد میان میگن ۷۲ درصد شرکت کردن در حالی که اگر اون عدد رو مبنا قرار بدید یک دفعه ممکنه بشه مثلا حتی ۶۰ درصد. یا مثلا با عدد های دیگه کمتر. در نتیجه اصلا نباید به این آمار گیری ها و آمار سازی ها توجه کرد. خُب از یک طرف دیگه هم ما فراموش نکردیم. یادمونه مثلا همین کروی اومد گفت که در انتخابات های ما رسم بوده که آرای شرکت کنندگان را ضربدر سه میکردیم. خُب این رو که گفت دیگه. خُب وقتی که این رسم شونه خُب این دفعه هم کردن. حالا اگر ما میخوایم خودمون رو گول بزنیم و بگیم نه، اون موقع به بحث دیگه‌س. یا تو همین قبل از این انتخابات اگر یادتون باشه به خبری تو خود رسانه‌های جمهوری اسلامی پخش شد که احمدی نژاد یک نواری داره که مثلا تو این سیاست "بگم بگم‌اش" میخواد روش بکنه که با یک نفر صحبت کرده و اون گفته تو آرایت ۱۶ میلیونه ما میخوایم ۲۴ میلیون اعلامش بکنیم. خُب این ۸ میلیون از کجا ساخته شده؟ این یک واقعیه. حالا این که احمدی نژاد هم تکذیب کرد گفت من چنین نواری ندارم و این ها. که اون یک بحث دیگه‌س ولی به هر حال این موارد نشون میده که این سیستم بدون تقلب اساسا کاراش پیش نمی ره. اصلا تقلب ذاتی سیستم انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی و اگر کسی اینو متوجه نشه اصلا این سیستم رو نمیتونه بفهمه. مجبوره فریب اون حرفهائی رو بخوره که میگن در سرزمین امام زمان تقلب اصلا جائی نداره. اگر یادتون باشه این از اون حرفهائی ای به که سال ۷۶ بود که فکر کنم خامنه‌ای زد گفت در سرزمین امام زمان اصلا تقلب نیست. خُب خود حرفش به تقلب بود. در نتیجه کسانی که تقلب های جمهوری اسلامی را نمی بینند. تقلب در آمار سازی هاش رو نمی بینن. طبیعیه که کارشون رو از اون جائی شروع می کنن که وزارت کشور جمهوری اسلامی رسما یک آماری رو اعلام می کنه یعنی کار اون هر جا تمام شد کار این ها شروع میشه. اون میگه ۱۵ میلیون رای دادن به فلانی، ۱۸ میلیون رای دادن به فلانی، اون موقع همه این ها شروع میکنن بله حالا بریم پیدا کنیم این تعدادی که رای دادن به فلانی. این هیجده میلیون که رای دادن به فلانی کی‌ها بودن، چرا دادن، چه جوری دادن و چه خواست ها و چه اهدافی داشتن. در حالیکه توی همین اطلاعیه‌های انتخاباتی این سازمان های سیاسی که بعد از این انتصابات جمهوری اسلامی صادر کردن هم نگاه کنیم دوباره اومدن رای روحانی رو گفتن و گفتن که آره ما غافلگیر شدیم، مردم غافلگیر کردن، همه رو غافلگیر کردن و این ۱۸ میلیون رای روحانی رو خیلی پذیرفتن و هیچ هم بروشون نمیاری که بابا این آمار ۱۸ میلیونی که شما میگی از کجا آوردید. مگر (منبع) این، به جز وزارت کشور



جمهوری اسلامی؟ چرا شما خودتون رو بازچه دست وزارت کشور جمهوری اسلامی می کنید و به آمار هائی استناد می کنید که اون داده و همش هم دروغه. ولی اگر واقعا حالا کسی این آمار رو می پذیره ببینید عکس العمل هائی که با خودش میاره توی این رسانه ها یا در این شبکه های اجتماعی مثل فیس بوک و این ها مثلا می بینید که یک عده ای شروع میکنند به ناامید شدن و ناسزا گفتن به مردم که شما رفتید با همه این شناختی که از جمهوری اسلامی داشتید به آن رای دادید. یا از اون ور می افتند می گویند نه، رای دادن ولی رای به کسی دادن که مخالف خامنه ای و شروع میکنند روحانی رو که خودش پادوی خامنه ای در شورای عالی امنیت ملیه؛ اول بهش یک لباس مخالفت می پوشانند بعد هم او را می کنند رفراندم مردم، رای منفی مردم به خامنه ای، خُب همه این کارها و "نه" بزرگی که دارن میگن و تبلیغ می کنند همه اینا در شرایطی انجام داره میشه که خامنه ای هم داره به ریش همه می خنده، کارش رو پیش برده و همه رو هم گول زده و به انتصابات رو میخواد به اسم انتخابات قالب بکنه و این ها هم دارن با این حرفهاشون واقعا همون جا کمکش می کنن. در حالی که همه تجربیات انتخابات تا کنونی رو اگر کسی واقعا فراموش نکرده باشه و به یاد داشته باشه می بینه که اصلا همیشه به سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی اعتماد کرد. در این سیستم اصولا آرای مردم فاقد ارزشه، این اصله، در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی آراء مردم فاقد ارزشند، اصلا ولایت فقیه معنی اش اینه که من اومدم که بگم رای شما فاقد ارزشه. قبل از انتخابات اگر یادتون باشه یکی از این آخوند های امام جمعه، فکر کنم مشهد بود اومد گفت، میخواست به احمدی نژاد اشاره بکنه، میگفت ۲۴ میلیون چیه ۲۴۰ میلیون هم به تو رای بدن تا آقا نگه اوکی و درسته اصلا فاقد ارزشه، همه اش صفره. خُب یعنی رای مردم ارزشی نداره به حساب نمیداد، اراده ولی فقیهه که به حساب میاد. و خُب ولی فقیه فقط تنها چیزی که دوست داره اینه که مردم بیشتر شرکت بکنن تا اون بتونه بره پز بده و بگه همه نظام رو قبول دارن و ببینید چقدر زیاد اومدن.

**رادیو همراه: رفیق فریبرز ما چهار دقیقه وقت داریم به پایان برنامه، اگر اجازه بدید از شما بیرسم که شما آینده این رژیم رو با تمام این ترفندها و کارهایی که می کنه و این انتخاباتی که راه میندازه و رئیس جمهورش میشه منتخب، منتخب رژیم البته، شما چگونه می بینید آینده رو، نقش توده ها و بویژه کارگران و زحمتکشان در مقابله با رژیم و عده پوشالی اش رو چگونه می بینید؟ مرسی.**

**پاسخ:** ببینید این انتخابات ۲۴ خرداد که تموم شد و رژیم هم همون کسی رو که می خواست به عنوان نتیجه انتخابات آورد، در نتیجه خُب این حله، حالا بحث اینه اون چیزی که مطرحه اینه که آیا این کسی که اومده روکار می تونه اون چیزهایی که ادعا میکنه را به پیش بره، تغییراتی ایجاد بکنه یا اصولا خود آینده رژیم با همه این تقلباتش با این سرکوب هایش چه سرنوشتی پیدا میکنه؟ اگر سؤال اینه اگر مسئله اینه به باور من روحانی هیچ تخم دو زرده ای را نخواهد کرد و اصلا برای این هم نیامده که یک چنین کاری رو انجام بده و نباید اسیر تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی و یا سیستم تبلیغاتی روحانی و مراکزی که براش دارن تبلیغ میکنن، شد سیاستهای کلان در جمهوری اسلامی طبق قانون خود جمهوری اسلامی بوسیله "ولی فقیه" تعیین میشه و از قبل هم بوده تغییر هم نکرده، امروز هم هست آینده هم همین جور خواهد بود تا وقتی که این ها روی کارند وضع همین خواهد بود. در نتیجه این نمی تونه چیزی خارج از اون چهارچوبی که بالاترین مقامات مملکتی تعیین میکنن بره حرفی بزنه یا اجرا بکنه. و این اشتباه محضه اگر کسی فکر کنه که این میاد و مثلا کار عجیب و غریبی می خواد بکنه. اما در مورد این مسئله ای که کارگران و زحمتکشان در اوضاع کنونی چه میکنند؟ اتفاقا اینکه میگن امید، امید این مملکت امید این شرایط همین کارگران و زحمتکشان هستند. اگر این ها برخیزند اون موقع همه چیز به هم می خوره، همه معادلات تغییر می کنه، کارگر ها تنها نیروئی هستن که میتونن این رژیم سرکوبگر رو کارگران و زحمتکشان نابود کنن و یک ایران آزاد و آباد و عاری از ظلم و ستم رو شکل بدن، بنابراین همه مسئله اینه که چگونه میشه رفت و این کارگران رو متشکل کرد، انرژی انقلابی اون ها رو در

جهت سرنگونی جمهوری اسلامی کانالیزه کرد. اگر این بشه اون موقع میشه امید داشت که مردم ما به آزادی و دموکراسی و یک جامعه واقعی از استعمار و ظلم و ستم دست پیدا کنن و همین واقعیت هم وظیفه نیروهای انقلابی رو تعیین میکنه و به اون ها حکم می کنه که در جهت این هدف در حد توان خودشون گام بردارن و قبل از هر چیز به مردم بگن که فریب تبلیغات انتخاباتی جمهوری اسلامی رو نخورن و به صندوق های رای چشم امید نبندن، به جوانان بگن که انقلاب یعنی انتخاب واقعی اون ها نه انتصابات حکومتی بلکه از طریق انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته‌شه.

**رادیو همراه: با همین گفتار آخرتون برنامه امروز رو تموم میکنیم چون پانزده ثانیه مونده تشکر میکنم که با ما بودید. مرسی.**

**فریبرز سنجری: خیلی ممنون**

**یادداشت:**

ما به خاطر حفظ اصالت مصاحبه، زبان گفتار آقای «سنجری» را تغییر ندادیم؛ امید خوانندگان عزیز پورتال از این بابت برما خرده نگیرند.

اداره پورتال AA-AA